گزارش یک

مهسا گربندی

گزارش «جوان» از اعتراض دانش‌آموزان و داوطلبان کنکور به تأثیر قطعی معدل در شرایط جنگی

جدال بر سر ۶۰ درصد سرنوشت!

از همان روزی که قرار شد معدل امتحانات نهایی در کنکور تأثیرگذار باشد، بحث‌ها و جدل‌ها آغاز شد. عده‌ای موافق بودند و عده‌ای دیگر مخالفت می‌کردند. گاهی زیرساخت‌های ناکافی برای برگزاری امتحانات نهایی مورد انتقاد قرار می‌گرفت و گاهی نیز اصل و اساس این سیاست زیر سؤال می‌رفت. قرار بود تأثیر سوابق تحصیلی در کنکور، راهی برای مقابله با مافیای این غول بی‌شاخ و دم باشد، اما گویا قدرت این مافیا آن‌قدر زیاد است که با انواع ترفندها اجازه نمی‌دهد حتی بخشی از گردش مالی هنگفت آن کاهش پیدا کند.

هیچ‌کس موافق تحمیل استرس مضاعف به دانش‌آموزان و داوطلبان کنکور نیست. مسئولان نیز هر زمان تصمیمی گرفتند، تأکید کردند که این تصمیم به نفع آینده‌سازان این مرز و بوم خواهد بود، اما وقتی پای صحبت دانش‌آموزان و کنکوری‌ها می‌نشینیم، بسیاری از آنها می‌گویند باورشان نمی‌شود مسئولان در این تصمیم‌ها واقعاً به دغدغه‌های آنها فکر کرده‌باشند، چراکه به اعتقاد آنها، پای اولویت‌های دیگری در میان است.

امسال تأثیر قطعی سوابق تحصیلی در فرآیند پذیرش دانشگاه‌ها و امتحانات نهایی، بیش از هر زمان دیگری در تعیین سرنوشت دانش‌آموزان نقش دارد. این در حالی است که شرایط خاص آموزشی در سال تحصیلی جاری، از جمله شرایط جنگی کشور، غیرحضوری شدن بخشی از کلاس‌ها و اختلال در روند آموزش، نگرانی‌هایی را درباره عدالت آموزشی و فرصت‌های برابر برای داوطلبان کنکور ایجاد کرده‌است. همین موضوع سبب شده تا دانش‌آموزان و داوطلبان کنکور مقابل شورای عالی انقلاب فرهنگی تجمع کنند تا صدای خود را به گوش مسئولان این شورا برسانند. تجمعی که هر چند به صورت مسالمت‌آمیز برگزار شد، اما متأسفانه در دقایقی، با تنش و درگیری همراه بود.

■ **لزوم حمایت‌های جبرانی در شرایط جنگی**

بسیاری از کارشناسان معتقدند هر چند کاهش وابستگی به کنکور اقدامی مثبت محسوب می‌شود، اما اجرای آن در شرایط نابرابر آموزشی نیازمند حمایت‌های جبرانی است، موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد.

طبق اعلام سازمان سنجش آموزش کشور، حدود ۸۵ درصد ظرفیت آموزش عالی کشور بر اساس سوابق تحصیلی و ۱۵ درصد از طریق آزمون سراسری تکمیل می‌شود. همچنین بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، سوابق تحصیلی تأثیر قطعی ۶۰ درصدی و نمره کنکور سراسری تأثیر ۴۰ درصدی در پذیرش داوطلبان دارد. تأثیر ۶۰ درصدی سوابق تحصیلی اگرچه با هدف کاهش کنکورمحوری و توجه به عملکرد چندساله دانش‌آموزان طراحی شده، اما در سالی که آموزش با چالش‌هایی مانند کلاس‌های غیرحضوری و فشارهای روانی ناشی از شرایط خاص کشور روبه‌رو بوده، موافقان و مخالفان بسیاری پیدا کرده و سؤالاتی جدی درباره میزان تحقق عدالت آموزشی را به وجود آورده‌است.

■ **اختلافی که پایانی ندارد**

اظهارات ضدونقیض مسئولان در سازمان‌ها و نهادهای مختلف و قرار گرفتن آنها در برابر یکدیگر، این ماجرا را پیچیده‌تر از آنچه باید باشد، کرده‌است. به تازگی دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرده به دلیل عدم حضور وزیر آموزش و پرورش، موضوع سوابق تحصیلی در کنکور بررسی نشده‌است. در مقابل، وزارت آموزش و پرورش می‌گوید چنین ادعایی صحت ندارد.

علی فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش، در این رابطه گفته: «تاکنون شورای عالی انقلاب فرهنگی هیچ جلسه‌ای با دستور کار تصمیم‌گیری درباره چگونگی تاثیر سوابق امتحانات نهایی در آزمون سراسری برگزار نکرده‌است.»

آن‌طور که وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده، بیش از یک ماه پیش مکاتبه‌ای با شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره مثبت‌شدن تأثیر سوابق تحصیلی در کنکور انجام شده، اما پاسخی دریافت نشده. این در حالی است که عبدالحسین خسروپناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در نامه‌ای اعلام کرده پیشنهاد آموزش و پرورش در دستور کار دو جلسه شورای معین قرار گرفته، اما به دلیل عدم حضور وزیر آموزش و پرورش در این جلسات، مطرح و بررسی نشده‌است.

حالا به گفته فرهادی، دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش به طور مستمر در جلسات شورای معین حضور دارد و هر زمان شورای عالی انقلاب فرهنگی جلسه‌ای در این‌باره برگزار کند، وزیر یا نماینده تام‌الاختیار او نیز در آن شرکت خواهند کرد.

■ **دغدغه داوطلبان**

جمعی از دانش‌آموزان و کنکوری‌ها بارها درباره مثبت شدن تأثیر سوابق تحصیلی پایه یازدهم در کنکور درخواست و مطالبه خود را مطرح کرده‌اند. مطالبه‌ای که به امروز و دیروز و شرایط جنگی محدود نمی‌شود، بلکه حتی پیش از آغاز جنگ نیز وجود داشته‌است. در تجمع روز گذشته، تعدادی از دانش‌آموزان پایه دوازدهم نیز حضور داشتند. سپهر، یکی از این دانش‌آموزان، درباره حضور خود در تجمع گفت: «مدت‌هاست که می‌گوییم تأثیر سوابق تحصیلی پایه یازدهم را مثبت کنند، اما گوش کسی بدهکار نیست. حالا که در یک سال گذشته درگیر دو جنگ بودیم و آموزش در شرایطی دشوار و ناپایدار دنبال شد، انتظار داریم از ما حمایت شود. این شرایط هم بر کیفیت آموزش تأثیر گذاشته و هم استرس زیادی به ما تحمیل کرده‌است.» دانش‌آموز دیگری به نام آوا نیز در این رابطه اظهار کرد: «شرایط استرس‌زای جنگ و اتفاقاتی که در دی‌ماه رخ داد، باعث تعطیلی یا مجازی شدن مدارس شد. این موضوع تمرکز دانش‌آموزان را به شدت کاهش داد، به همین دلیل ما خواستار بازنگری در مصوبه تأثیر سوابق تحصیلی در کنکور هستیم.»

یکی دیگر از داوطلبان کنکور که در این تجمع حضور داشت، گفت: «صدای انفجار، جنگ و از دست دادن عزیزان در نقاط مختلف کشور، تجربه سختی برای همه ما بود. این وضعیت برای کنکوری‌ها شرایط را دشوارتر و استرس را دوچندان کرد. حتی نمی‌دانستیم امتحانات نهایی و کنکور چه زمانی برگزار می‌شود. از آنجا که برای شرکت در این آزمون‌ها نیاز به برنامه‌ریزی داشتیم، اما برنامه مشخصی وجود نداشت، انتظار داریم مسئولان در این شرایط تمهیدات ویژه‌ای در نظر بگیرند.»

در این میان، برخی از شرکت‌کنندگان در تجمع معتقد بودند برگزاری امتحانات نهایی در بازه زمانی ۲۱ تیر تا ۱۵ مرداد، فرصت طلایی آمادگی برای کنکور را از آنها گرفته و نوعی بی‌عدالتی ایجاد کرده‌است. به گفته آنها، فاصله میان پایان امتحانات نهایی و برگزاری کنکور بسیار کوتاه است و فرصت کافی برای جمع‌بندی و آمادگی نهایی وجود ندارد.

برخی دیگر از داوطلبان نیز تأکید کردند که امکان ترمیم تک‌درس در امتحانات نهایی وجود ندارد و این موضوع می‌تواند بر نتیجه نهایی تأثیر منفی بگذارد.

■ **بازگشت به کنکورمحوری، یک باخت مطلق است**

در این میان، ابراهیم سحرخیز، معاون پیشین وزیر آموزش و پرورش، معتقد است جنجال‌های اخیر درباره تأثیر سوابق تحصیلی در کنکور را نمی‌توان صرفاً به شرایط جنگی و استرس‌های ناشی از آن نسبت داد. به گفته او، این اختلاف‌نظرها پیش از جنگ نیز وجود داشته و اکنون برخی ذی‌نفعان بازار کنکور در حال دامن زدن به آن هستند.

او با اشاره به نقش مؤسسات آموزشی در این ماجرا به «جوان» می‌گوید: «بخش قابل توجهی از داوطلبان کنکور با این مراکز خصوصی آموزشی در ارتباط هستند و کشاندن آنها به صحنه برای کسانی که از بازار کنکور سود می‌برند، کار دشواری نیست.» سحرخیز احتمال می‌دهد بخشی از این تحرکات با هدف تقویت جایگاه مافیای کنکور صورت گرفته باشد.

معاون پیشین وزیر آموزش و پرورش همچنین تصریح می‌کند هر قانونی که به تصویب می‌رسد، حاصل بررسی‌های کارشناسی و مطالعات متعدد است و اگر قرار باشد به دلیل شرایط خاص کشور تغییری در آن ایجاد شود، این تغییر نیز باید با اجماع و نظر کارشناسان انجام شود.

سحرخیز در ادامه از چندصدایی میان نهادهای تصمیم‌گیر انتقاد می‌کند و آن را یکی از عوامل اصلی سردرگمی دانش‌آموزان و خانواده‌ها می‌داند: «یک روز از کنکور به عنوان تنها ملاک ورود به دانشگاه یاد می‌شود و روز دیگر درباره تأثیر سوابق تحصیلی صحبت می‌کنند. یک روز سخن از تأثیر قطعی است و روز دیگر تأثیر مثبت آن صحبت می‌شود. این وضعیت سال‌هاست کشور را درگیر خود کرده‌است.»

به باور او، نمی‌توان ۱۲ سال آموزش و تربیت دانش‌آموزان را نادیده گرفت و سرنوشت آنها را تنها به نتیجه یک آزمون چند ساعته گره زد. سحرخیز هشدار می‌دهد که در چنین شرایطی مدرسه اهمیت خود را از دست می‌دهد و دانش‌آموزان تنها به دنبال کسب مدرک خواهند بود.

او با یادآوری تجربه سال‌های گذشته می‌گوید بسیاری از دانش‌آموزان به جای تمرکز بر مدرسه، وقت خود را در آموزشگاه‌های کنکور سپری می‌کردند، زیرا تصور می‌کردند، آینده‌شان تنها با نتیجه کنکور تعیین می‌شود. به گفته او، حتی برخی مدارس نیز به دلایل مختلف دانش‌آموزان را به سمت این آموزشگاه‌ها سوق می‌دادند.

سحرخیز همچنین معتقد است نباید فرایند آموزش و یادگیری قربانی تکنیک‌های تست‌زنی شود: «یادگیری عمیق زمانی اتفاق می‌افتد که از طریق ارزشیابی‌های تشریحی مورد سنجش قرار گیرد، نه صرفاً با مهارت در تست‌زنی.»

او همچنین استرس امتحانات نهایی و کنکور را پدیده‌ای همیشگی می‌داند و بر این باور است مسئله اصلی، مقاومت‌هایی است که در برابر کاهش نقش کنکور وجود دارد: «وقتی تصمیمی بر پایه منطق و پشتوانه کارشناسی اتخاذ شده‌است، نباید به سادگی از آن عقب‌نشینی کرد.»

با این حال، سحرخیز شرایط خاص کشور را نیز قابل توجه می‌داند و می‌گوید: «در صورت وجود وضعیت‌های استثنایی، از جمله پیامدهای جنگ، می‌توان برای یک بازه زمانی محدود تمهیدات ویژه‌ای در نظر گرفت. اما بدون شک، بازگشت به شرایطی که سرنوشت دانش‌آموزان صرفاً با کنکور تعیین شود، به معنای یک باخت مطلق است.»

در میان این کشمکش فرسایشی، آنچه بیش از همه مغفول مانده، دغدغه نسلی است که این روزها به جای تمرکز بر درس و رقابت علمی، ناچار است چشم‌انتظار اخبار و مصوبه‌های تازه باشد تا بداند سرنوشتش بر چه مبنایی رقم می‌خورد. شاید اصلاً مسئله اصلی، نه کنکور باشد و نه سوابق تحصیلی! بلکه فقدان ثباتی باشد که دانش‌آموزان برای برنامه‌ریزی و ساختن آینده خود به آن نیاز دارند. بدون شک، هر تصمیمی که گرفته شود، تنها زمانی می‌تواند به عدالت آموزشی نزدیک شود که پیش از هر چیز، اطمینان و آرامش را به کسانی بازگرداند که قرار است در مرکز این تصمیم‌ها قرار داشته باشند، نه در حاشیه آنها.

گزارش ۲

زهرا چیذری

سال گذشته حدود یک هزار و ۳۰۰ پرونده با موضوع «تحمیل هزینه اضافه به بیماران» از سوی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به سازمان تعزیرات حکومتی معرفی شده‌اند

تشکیل کمیته زیرمیزی در بهارستان

رشد ۵۵ درصدی تعرفه‌های پزشکی در سال ۱۴۰۵ هم نتوانسته معضل زیرمیزی گرفتن پزشکان را حل و فصل کند. در این میان کمیسیون بهداشت مجلس سازمان نظام پزشکی و حتی وزارت بهداشت هم به جای آنکه برای ریشه کن کردن این معضل نظام سلامت فکری بکنند، به توجیه و تفسیر و ارائه آمار و ارقام بسنده می‌کنند تا به زعم خودشان اثبات کنند پزشکان زیرمیزی بگیر آنقدرها هم تعدادشان زیاد نیست. همچنان که یکی از اعضای کمیسیون بهداشت مجلس گفته فقط ۷ درصد از پزشکان زیرمیزی می‌گیرند! این در حالی است که از میانه قشر پزشک فقط پزشکان جراح هستند که می‌توانند زیر میزی بگیرند، بنابراین همین ۷ درصد هم عدد کوچکی نیست. بر این اساس و در حالی که اغلب بیماران برای ادامه روند درمان بی‌هیچ اعتراضی زیرمیزی درخواستی پزشک معالج را به او تقدیم می‌کنند، اما باز هم سال گذشته حدود یک هزار و ۳۰۰ پرونده با موضوع «تحمیل هزینه اضافه به بیماران» از سوی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور به سازمان تعزیرات حکومتی معرفی شده‌اند.

تعرفه‌های درمانی ۱۴۰۵ به طور متوسط ۵۵ درصد رشد داشته است به گونه‌ای که ویزیت پزشک متخصص به نیم میلیون تومان رسیده و حتی مراجعه به پزشک عمومی هم برای شما چیزی حدود ۳۵۰ هزار تومان آب می‌خورد. این عدد و رقم‌ها با عنایت به شرایط سخت اقتصادی جنگ و تحریم از رشد مناسب و حتی افزایش نسبتاً زیاد عرفه‌های پزشکی و مزد درمان حکایت دارد با وجود این انگار ماجرای قدیمی و زخم کهنه زیر میزی گرفتن برخی از پزشکان همچنان ادامه دارد.

■ **فقط ۷ درصد پزشکان زیرمیزی میگیرند**

منصور علیمردانی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، با تأکید بر اینکه به هیچ عنوان به کل جامعه پزشکی تعمیم‌پذیر نیست و تنها بخش کوچکی از پزشکان ممکن است مرتکب چنین تخلفی شوند، می‌گوید: «بر اساس آمارهای موجود، بین ۵ تا ۱۵ درصد جامعه پزشکی ممکن است در معرض چنین رفتاری قرار داشته باشند و برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۷ درصد پزشکان اقدام به دریافت زیرمیزی می‌کنند.» از نگاه این پزشک یکی از دلایل اصلی بروز این پدیده می‌تواند زیاده‌خواهی برخی افراد باشد، اما عوامل دیگری نیز در شکل‌گیری آن نقش دارند که از جمله می‌توان به نامتناسب بودن تعرفه‌های پزشکی و کاهش قدرت خرید بخشی از جامعه پزشکی اشاره کرد.

به گونه‌ای که در دوره‌هایی که تعرفه‌های پزشکی متناسب‌تر بود و قدرت خرید پزشکان در سطح مطلوبی قرار داشت، به‌رغم اینکه مبالغ دریافتی بسیار کمتر از امروز بود، پدیده زیرمیزی تقریباً وجود نداشت و میزان آن به کمتر از یک درصد می‌رسید. اظهارات این نماینده مجلس در حالی است که با عنایت به نرخ تورم و شرایط اقتصادی کنونی تقریباً اکثر مشاغل قدرت خرید مناسبی ندارند این مسئله به خصوص درباره کارگران و مشاغل خدماتی به شکلی برجسته‌تر مشاهده می‌شود، اما هیچ کدام از افراد شاغل در این شغل‌ها برای افزایش درآمد خود اقدام به انجام رفتارهای غیرقانونی و غیر مشروع نمی‌کنند.

علیمردانی می‌پذیرد که هیچ‌یک از مسائلی نظیر پایین بودن تعرفه‌ها یا کاهش قدرت خرید پزشکان، نمی‌تواند توجیهی برای دریافت زیرمیزی باشد و به هیچ عنوان نباید از این شرایط برای تحمیل هزینه‌های غیرقانونی به مردم سوءاستفاده شود. دریافت زیرمیزی تخلف است و باید با آن برخورد شود.

■ **تشکیل کمیته بررسی ابعاد زیرمیزی**

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در عین حال با تأکید بر اینکه وظیفه ما به عنوان قانون‌گذار و ناظر، حمایت از حقوق مردم و جلوگیری از هرگونه زیاده‌خواهی و تخلف در حوزه سلامت است، می‌افزاید: «بر همین اساس، کمیته‌ای برای بررسی ابعاد، علل و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پدیده زیرمیزی تشکیل شد.»

سیدحسین حاجی‌میرزایی، رئیس مرکز نظارت و اعتباربخشی امور درمان وزارت بهداشت هم با اشاره به اهمیت صیانت از حقوق بیماران و ارتقای نظام نظارت بر ارائه خدمات درمانی، تأکید می‌کند: «رعایت دقیق تعرفه‌های مصوب و جلوگیری از هرگونه تحمیل هزینه اضافی به بیماران از اولویت‌های اصلی نظام سلامت است و دانشگاه‌های علوم پزشکی باید با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی موجود، نسبت به شناسایی، پیگیری و برخورد مؤثر با تخلفات احتمالی اقدام کنند.

■ **ضرورت طراحی ساختاری نظارتی**

شخص بیماری را تصور کنید که برای درمان بیماری به پزشک اعتماد کرده و روند درمانش را نزد این پزشک طی می‌کند. بدیهی است پزشک معالج هر تقاضایی که از بیمار داشته باشد، بیمار تمام تلاشش را می‌کند تا خواسته پزشک معالجش را برآورده کند. در این مسیر اغلب موارد شکایت بیمار از پزشکی که از او درخواست زیرمیزی کرده منتفی است.

بنابراین ساختار بهداشت و درمان کشور یک بار برای همیشه باید ساز و کاری نظارتی طراحی کند تا بتواند تخلفات پزشکان را رصد کرده و افراد متخلف برخورد قانونی داشته باشد. علیمردانی عضو کمیسیون بهداشت هم یکی از مهم‌ترین موانع مقابله با این پدیده را عدم ثبت شکایت از سوی افراد آسیب‌دیده می‌داند و می‌گوید: «مشکل اصلی در مسیر ریشه‌کن کردن زیرمیزی این است که بسیاری از بیمارانی که متضرر می‌شوند، شکایت رسمی مطرح نمی‌کنند در حالی که اگر شکایت صورت گیرد، سازمان نظام پزشکی و دستگاه قضا با جدیت موضوع را پیگیری خواهند کرد و امکان برخورد قانونی با متخلفان وجود دارد.»

وی می‌افزاید: «یکی از پیشنهادهایی که بنده نیز در قالب طرحی ارائه کرده‌ام، مربوط به تسهیل اثبات این تخلفات است، در حال حاضر نباید اثبات ادعا صرفاً محدود به اسناد کتبی مانند چک، فیش واریز یا رسید کارت‌خوان باشد، زیرا بسیاری از این تخلفات به شیوه‌هایی انجام می‌شود که سند مالی مستقیمی از آن باقی نمی‌ماند.» طبق توضیحات این نماینده مجلس در این طرح پیشنهاد شده است که قضات بتوانند علاوه بر اسناد کتبی، از سایر روش‌های اثبات دعوا از جمله شهادت شهود، تحقیقات محلی، بررسی قرائن و سایر ادله قانونی نیز برای کشف حقیقت استفاده کنند تا مسیر برخورد با دریافت‌کنندگان زیرمیزی تسهیل شود.

شاید یکی از گره‌ها در مسیر مبارزه با پدیده شوم زیرمیزی گرفتن پزشکان مسئله تعارض منافع باشد مرجع نظارت قانونگذاری رسیدگی به شکایات و مجازات متخلفان همه خودشان پزشک هستند و بدیهی است که چاقو دسته خودش را نمی‌برد!

روایت دلتنگی

دنیا عیوضی

در امتداد همان نظم ایرانی جلو می‌رویم

خیابان، دیگر آن خیابانِ روزمره نیست. انگار چیزی در اتمسفر محله‌ها تغییر کرده‌است؛ گویی شَب‌هنگام که می‌رسد، شهر لباسی از نور و فریاد بر تن می‌کند. بعد از «جنگ رمضان»، این گردهمایی‌های شبانه به بخشی از هویت زنده و تپنده محله‌های ما بدل شده‌است. مردم، پیاده و سواره، با پرچم‌هایی که در دست دارند و شعارهایی که دیوارهای شهر را می‌لرزاند، نه فقط حضور، که «پایداری» خود را به رخ می‌کشند. این نه یک تجمع گذرا، که باز تولید روزانه یک اراده جمعی است. در میدان انقلاب و در میانه جمعیت متراکم و پرشور، که شعار «الله‌اکبر خامنه‌ای رهبر» در آن طنین‌انداز بود، زنی را دیدم که نگاهش با بقیه متفاوت بود. در چشمانش، ورای آن شور انقلابی، نوعی آرامشِ قلبی موج می‌زد. کنجکاوی‌ام گل کرد. جلو رفتم. وقتی پرسیدم چه شَغلی دارد، با لحنی که در آن غرور و دقت علمی توأمان بود، گفت: «داروسازم». همین تخصص، دریچه‌ای شد برای گفت‌وگو. از او پرسیدم: «در این شب‌ها که یاد و خاطره آیت‌الله خامنه‌ای بیش از همیشه در جان این تجمع‌ها جاری است، دلتنگی‌تان برای رهبر شهید را چطور توصیف می‌کنید؟ آیا جای خالی ایشان را حس می‌کنید؟»

او لحظه‌ای سکوت کرد، اشک در چشمانش جمع شد، لب‌هایش لرزید و نگاهی به جمعیت منسجم دوروبرمان انداخت و گفت: «دلتنگی که جای خود دارد. مگر می‌شود جای خالی کوه را در افق حس نکرد؟ دلم‌مان خیلی برای آقای شهیدمان تنگ شده، اما حقیقت این است که سید علی، میراثی برای ما گذاشت که فراتر از حضور فیزیکی‌اش بود. او چنان نظمِ فکری همسو و متمرکزی در رگ‌های این کشور تزریق کرده بود که پس از رفتنش، جهان و دشمنان ما در بهت فرو رفتند. آنها سال‌ها بر این باور بودند که با رفتن رهبر ایران، این بنای باشکوه فرو می‌ریزد؛ چون فکر می‌کردند همه چیز قائم به فرد است، اما وقتی رهبر ایران شهید شد، ایران نه تنها از هم نپاشید، بلکه با صلابت در مسیر خود باقی ماند، آنها فهمیدند که با یک «سیستم فکری» طرف هستند، نه صرفاً یک «ساختار دستوری».»

او حرف‌هایش را همین‌جا قطع نکرد و ادامه داد: «آن ۱۰ روز پرالتهاب پیش از انتخاب رهبر جدید را به یاد دارید؟ دشمنان نفس در سینه حبس کرده‌بودند، اما ایران در همان ۱۰ روز هم نلرزید. چرا؟ چون روی همان خط نظمی حرکت کرد که سید علی چیده‌بود. او همچون پدری مهربان مسیر را طوری هموار کرده بود که کشتی انقلاب بدون ناخدا هم برای مدتی کوتاه، به پشتوانه همان نقشه، راه را گم نکند.»

از او خواستم از آن بخش از تفکر رهبری بگوید که در ذهنش حک شده‌است. داروساز قصه ما، به دستانش اشاره کرد، به آن دقتی که در ترکیب داروها نیاز است تا یک بیمار شفا یابد و با صدایی که حالا جان بیشتری گرفته ادامه می‌دهد: «خامنه‌ای، رهبر تمام‌قد ایرانی بود. او به ما یاد داد که خودمان بسازیم. این دقیقاً همان کاری است که من در آزمایشگاه انجام می‌دهم. وقتی یک داروی حساس را که پیش‌تر وارد می‌کردیم، حالا در داخل تولید می‌کنیم، یعنی همان «ما می‌توانیم» که «رهبر شهید» فریاد می‌زد. او با قامتی بلند ایستاد و به ما آموخت که اگر مستقل نباشیم، اگر روی پای خودمان نایستیم، در زمین بازی دیگران قربانی می‌شویم. آیت‌الله خامنه‌ای نه فقط در کلام، که در عمل، هویت ایرانی را به رخ کشید و در همین خاک، سربلندانه به لقاءالله پیوست و شهید شد.» خانم داروساز کلماتش را زیباتر و آرام‌تر ردیف کرد: «این پرچم‌ها که می‌بینید، نتیجه همان «خودباوری» است. ما از دارویی که به دست متخصص ایرانی ساخته می‌شود تا رهبری که از میانِ خودمان برآمده و راه را ادامه می‌دهد، همگی یک پیام داریم: ما وابسته به بیگانگان نیستیم.»

از او جدا شدم و در میانِ جمعیت غرق شدم. شعارها هنوز ادامه داشت. نگاهی به چهره‌های جوان و پیری که در کنار هم حرکت می‌کردند انداختم. آن داروساز درست می‌گفت؛ این نظم، این حضور پرشور و این استقامت، میراث سید علی است. دشمنان ما، با همه‌ی محاسبات پیچیده‌شان، هیچ‌گاه نتوانستند «نظم فکری» را در معادلاتِ خود بگنجانند.

آیت‌الله خامنه‌ای شهید شاید در میان ما نیست، اما «ایران سربلندی» که او می‌خواست، حالا در تک‌تک این قدم‌ها استوار، در صدای هر شعار و در نبض هر داروساز و مهندس و کارگری که برای اعتلای این خاک می‌کوشد، زنده است. او در ایران شهید شد تا ایران، برای همیشه در امنیت و استقلال زندگی کند. این، همان فصل درخشان کتابی است که او برای ما نوشت و حالا، نوبت ماست که سطر به سطرش را زندگی کنیم.

خبر کوتاه

شناسایی ۵۱ هزار کودک دارای اختلال بینایی با غربالگری

رئیس گروه غربالگری اختلالات منجر به معلولیت‌های سازمان بهزیستی کشور با اشاره به چالش‌های ناشی از شرایط جنگی در سال گذشته، از پوشش ۸۵ درصدی غربالگری بینایی کودکان ۳ تا ۶ سال خبر داد و گفت: با وجود تعطیلی برخی پایگاه‌های سنجش غربالگری بینایی در مناطق درگیر، در سال گذشته بیش از ۵۱ هزار کودک مبتلا به انواع اختلالات بینایی در کشور شناسایی شدند.

منصور اسماعیل‌زاده، رئیس گروه غربالگری اختلالات منجر به معلولیت‌های سازمان بهزیستی کشور گفت: تنبلی چشم (آمبلیوپی) یکی از شایع‌ترین علل نابینایی یا کم‌بینایی تک‌چشمی در کودکان است که اگر در سن طلایی (۳ تا ۶ سالگی) تشخیص داده نشود، درمان آن بسیار دشوار یا غیرممکن خواهد بود. وی به تشریح آخرین وضعیت این طرح، آمارهای سال ۱۴۰۴ و چشم‌انداز سال ۱۴۰۵ پرداخت و گفت: در گذشته که مهدکودک‌ها تحت نظارت بهزیستی بودند، مجوز این غربالگری‌ها صادر و کار در مهدها انجام می‌شد، اما پس از واگذاری مهدکودک‌ها به سازمان نظام تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، این فرآیند به پایگاه‌های سنجش و مراکز «مثبت زندگی» تحت نظارت بهزیستی منتقل شد.

وی با اشاره به کاهش پوشش هدف‌گذاری شده به دلیل شرایط جنگی سال ۱۴۰۴ اظهار کرد: هدف‌گذاری سازمان برای سال گذشته دستیابی به پوشش ۹۰ درصدی کودکان سه تا شش سال بود، اما به دلیل شرایط جنگی، این رقم به ۸۵ درصد رسید. در استان‌ها و شهرهایی که مستقیماً در معرض جنگ بودند، مراکز مثبت زندگی و پایگاه‌های ما ناگزیر به تعطیلی شدند، چراکه این مراکز مانند بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دولتی نیستند که در هر شرایطی باز بمانند. با این حال، در استان‌های غیرجنگی، مراکز به طور مستمر فعال بودند. اسماعیل‌زاده در خصوص آمارهای دقیق سال ۱۴۰۴ گفت: در سال گذشته، در مجموع ۳ میلیون و ۳۱۸ هزار و ۴۲۷ کودک سه تا شش سال (معادل ۸۵ درصد جامعه هدف) تحت غربالگری بینایی قرار گرفتند. از این تعداد، ۱۱ هزار و ۴۸۲ کودک مبتلا به تنبلی چشم (آمبلیوپی) و ۴۱ هزار و ۵۵۰ کودک با انواع دیگر اختلالات بینایی (مانند عیوب انکساری و استرابیسم) تشخیص داده و برای درمان ارجاع شدند. وی درباره آمارهای سال جاری نیز افزود: با توجه به اینکه بخشی از سال جاری نیز تحت تأثیر دوره جنگی قرار داشت و در ماه اول اکثر مراکز شهرهای درگیر تعطیل بودند، هدف‌گذاری سازمان برای سال ۱۴۰۵ نیز همان تحقق پوشش ۸۵ درصدی پیش‌بینی شده‌است. رئیس گروه غربالگری اختلالات منجر به معلولیت‌های سازمان بهزیستی کشور در تشریح بسته‌های حمایتی این سازمان از کودکان شناسایی‌شده گفت: فرآیند کار ما تنها به شناسایی ختم نمی‌شود. سازمان بهزیستی تا رسیدن کودک به مرحله درمان و مداخله کامل در کنار خانواده‌هاست. در همین راستا، هزینه خرید عینک به خانواده‌های نیازمند پرداخت می‌شود و در مواردی که کودک نیاز به عمل جراحی داشته باشد، سازمان کمک‌هزینه جراحی چشم را متقبل می‌شود.